


فرایند شکل‌گیری و تحول طلاق بر اساس منابع اسلامی

علی مخدومی / دانشجوی دکتری تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

 orcid.org/0000-0001-9528-8649

alimakhdoumi@rihu.ac.ir

ym.abbasi@gmail.com

مهدی عباسی / استادیار گروه روان‌شناسی اسلامی پژوهشگاه دانشگاه قرآن و حدیث.

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

چکیده

پژوهش حاضر به منظور کشف فرایند شکل‌گیری و تحول طلاق بر اساس منابع اسلامی انجام شد. این پژوهش شامل ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی است که طی چهار مرحله اجرا گردید. برای تدوین فرایند شکل‌گیری و تحول طلاق، از روش «معناشناسی زبانی» استفاده شد و به منظور تحلیل مراحل و شاخص‌های به دست آمده از منابع اسلامی، از روش «تحلیل محتوا» و «قواعد اصول فقه» استفاده گردید. روایی محتوای فرایند شکل‌گیری و تحول طلاق با استفاده از نظر کارشناسان بررسی گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد فرایند شکل‌گیری طلاق بر اساس منابع اسلامی متشکل از شش مرحله (پیش‌آشننگی، بروز آشننگی، آشننگی، گسستگی و امکان طلاق، آمادگی برای طلاق و امکان بازگشت، و پس از طلاق و امکان بازگشت) است. روایی محتوا برای تمام مراحل و شاخص‌های به دست آمده با اظهار نظر هشت کارشناس تأیید گردید.

کلیدواژه‌ها: طلاق، فرایند شکل‌گیری طلاق، تحول طلاق، منابع اسلامی.

مقدمه

خانواده محبوب‌ترین بنیان جهان هستی (کلینی، ۱۴۰۷) است که با ازدواج و تعهد دو طرف آغاز می‌گردد و مسیر پایداری و شکوفایی خود را با سختی‌ها و موانع زیادی سپری می‌نماید. تعارض محصول الزامی زندگی مشترک است. هنگامی که دو تن به‌مثابه یک زوج، باهم زندگی می‌کنند، تعارض خود را در قالب احساس ناراضی همسران نسبت به یکدیگر، خشم و ناامیدی بروز می‌دهد (برنشتاین، ۱۳۸۲). این حالت ناشی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی است و زمانی که به‌صورت احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی شدت یابد و به حالات تخریب و ویرانگری درآید، نشان‌دهنده حالتی غیرعادی است (لانگ و یونگ، ۱۹۹۸). ازدواج هنگامی که دچار تعارض شود شکست نمی‌خورد. ازدواج زمانی شکست می‌خورد که برای تعارض راه‌حلی یافت نشود و منجر به جدایی گردد (همان).

طلاق

طلاق و جدایی از جمله مسائل مهم در حوزه خانواده به شمار می‌رود، به‌گونه‌ای که طی ده سال گذشته، روز به روز آمار طلاق در ایران بیشتر شده و گریبان خانواده‌های بسیاری را گرفته است، تا جایی که دیگر واژه «طلاق» قبح گذشته خود را از دست داده، زوجین به‌راحتی گزینه طلاق را انتخاب می‌کنند.

رشد طلاق در سال‌های اخیر

رشد کمی و کیفی طلاق به‌گونه‌ای است که در سال ۱۳۹۸ آمار رسمی طلاق ۱۷۴ هزار و ۸۳۱ مورد بوده و مقایسه این عدد با عدد مشابه آن در سال ۱۳۸۸ که معادل ۱۲۵ هزار ۷۲۷ نفر بوده، نشان‌دهنده افزایش چشمگیر این معضل است. برای تحلیل دقیق این اعداد و ارقام، لازم است میزان و تناسب آنها با آمار ازدواج در هر سال بررسی شود. نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۸، ۱۴/۱ و در سال ۱۳۹۸، ۳۲/۹ بوده است (طبق آمار ثبت‌احوال سال ۱۳۹۹). روان‌شناسان در برهه‌های گوناگون زندگی، برای جلوگیری از طلاق در تلاش هستند؛ از مشاوره‌های قبل از ازدواج (مانند: pmc: Premarital Counseling) تا زوج‌درمانی در حل تعارض‌های موجود در زندگی مشترک و در نهایت، مشاوره‌هایی که نسبت به بحث طلاق انجام می‌دهند، همه نشان از اهتمام آنها در این مسیر دارد.

مراحل مواجهه زوجین متقاضی با طلاق

بعد از تصویب قانون «ارجاع متقاضیان طلاق توافقی به دفتر مشاوره» (طبق ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده)، اهمیت کار مشاوران و روان‌شناسان بیشتر به چشم می‌خورد. برخی از روان‌شناسان نحوه مواجهه زوجین با طلاق را بررسی نموده‌اند. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده توسط رایس و گوردین (۱۳۹۶)، مراحل مواجهه با زوجین متقاضی طلاق در پنج مرحله تبیین می‌شود: (۱) خانواده و زوج‌درمانی؛ (۲) درمان مداخله در بحران؛ (۳) مشاوره سوگ؛ (۴) مشاوره حمایتی؛ (۵) روان‌شناسی رشد.

مک نایت (۲۰۰۹) اندیشمندی است که طلاق را در سه دوره تعریف می‌کند: الف. دوره قبل از طلاق (دوره تصمیم‌گیری)؛ ب. دوره حین طلاق (دوره بازسازی)؛ ج. دوره بعد از طلاق (دوره بهبودی).

در دیدگاهی دیگر طلاق به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱) طلاق بجا، بموقع و کارشناسی‌شده؛ ۲) طلاق کارشناسی‌نشده و پیش از موعد؛ ۳) طلاق با تأخیر زیاد (ساروخانی، ۱۳۷۷).

برای اینکه مواجهه با طلاق مسیر خود را به‌درستی طی کند و به‌موقع تصمیم درستی گرفته شود، باید فرایند شکل‌گیری طلاق معلوم گردد و مشخص شود که زوجین در کدام‌یک از مراحل تحول طلاق هستند. به همین منظور پژوهشگران حوزه خانواده، طلاق را فرایندی نگرینسته‌اند که از مراحل گوناگونی ترکیب شده است. این مراحل تفاوت‌های کیفی در نوع مواجهه با مسائل طلاق و درجه سازگاری افراد با آن را نشان می‌دهد (سیف و بهاری، ۱۳۷۹).

مراحل طلاق از نظر کسلر

کسلر (۱۹۷۵) طلاق را تحلیل روانی نموده و آن را به‌مثابه یک فرایند روان‌شناختی، به هفت مرحله هیجانی (عاطفی) تقسیم می‌کند: سرخوردگی، تحلیل‌رفتگی (erosion)، گسلیدگی (detachment)، جدایی جسمی (Physical separation)، سوگ (mourning)، نوجوانی دوم (second adolescence)، اکتشاف و کار سخت (exploration and hard work).

از نظر کسلر مرحله اول جدایی زوجین «سرخوردگی» از رابطه زناشویی است که در ابتدا گاه و بیگاه است و واحد خانواده هنوز روی پیامدهای محکمی استوار است. با ادامه این روند، معمولاً فرسایش اتفاق می‌افتد؛ زیرا افراد کمی تجربه یا توانایی لازم را برای خروج موفقیت‌آمیز از مرحله «سرخوردگی» دارند. هرچند آگاهی از ناامیدی و ناراضیاتی از همسر شدیدتر است، ولی منشأ آن احساسات هنوز آگاهانه نشده است. در این مرحله، هرچند ارتباط همسران اساسی منفی دارد، ولی هنوز به یکدیگر علاقه‌مندند (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۹).

سپس وارد مرحله «گسلیدگی» می‌شوند. علایم گسلیدگی روانی را می‌توان مواردی همچون سکوت تنش‌زا، ارتباط کلامی محدود و اجتناب مداوم از موقعیت‌های صمیمی دانست. همسر گسلیده شده به زندگی پس از طلاق می‌اندیشد. در این مرحله زوجین احساسات و عواطف خود نسبت به یکدیگر را انکار کرده، از انجام وظایف و تعهدات زناشویی نسبت به یکدیگر امتناع می‌ورزند که این امر می‌تواند منجر به جدایی محل خواب و یا صرف غذا به‌صورت انفرادی و جدا شود (طیارپور، ۱۳۹۵).

کسلر (۱۹۷۵) مرحله «جدایی جسمی» را دردناک‌ترین جنبه کلی فرایند طلاق هیجانی می‌داند. اینجاست که هر دو فرد با احساس تنهایی، اضطراب و نیازشان به ساختن یک هویت جدید روبه‌رو می‌شوند. در ادامه وارد فرایند «سوگواری» می‌شوند. «سوگواری» فرایندی است که توسط آن با یک فقدان از لحاظ روانی مقابله می‌شود و در آن هر دو همسر سعی می‌کنند خود را از قید وجود روان‌شناختی یکدیگر آزاد سازند.

کسلر معتقد است: در مرحله بعدی بزرگ‌ترین جهش در «خودتوان بخشی» مشاهده می‌شود و یک توانایی و آمادگی برای پذیرش حس آزادی و آرامش همراه با طلاق به وجود می‌آید.

در مرحله «اکتشاف» و کار سخت، توانایی و آمادگی ساختن روابط، نه از روی ضعف، بلکه از روی قدرت، نه منفعلانه، بلکه با مشارکت فعالانه تجربه می‌شود.

مراحل آغاز طلاق از نظر مارک نپ

مارک نپ تحلیل عمیقی از مراحل آغاز آزمون و پایان دادن یک رابطه و انواع فراگرد ارتباطی مربوط به آنها که هر مرحله را از مرحله دیگر متمایز می‌کند، ارائه داده است. او در مجموع، ده مرحله را در روابط افراد تفکیک کرده که پنج مرحله مربوط به پیوند و پنج مرحله مربوط به جدایی است (عظیمی رستا و عابدزاده، ۱۳۹۲): افتراق، محدود کردن، بی‌روح شدن رابطه، پرهیز از یکدیگر، و جدایی مراحل مرتبط با طلاق است (فرهنگی، ۱۳۷۹).

مراحل گذر از طلاق از نظر کِلپ

کِلپ (۱۹۹۲) مراحل گذر از طلاق را در سه مرحله تعریف می‌نماید:

مرحله اول. مرحله قبل از طلاق: در این مرحله یک یا هر دو زوج نارضایتی رو به رشدی را از رابطه تجربه می‌کنند. تجارب بسیار متغیر است، هرچند تجربه شوک و تنش در میان زوجین مشترک است. شریک ناراضی ممکن است فرایند قانونی طلاق را بررسی کند.

مرحله دوم. مرحله انتقال بازسازی: برای اکثریت این دوره همان تجربه حین طلاق است. این مرحله موضوعاتی مانند واقعیت‌های اقتصادی طلاق، محل زندگی، و مشکلات سرپرستی را دربر می‌گیرد. این مسئله ممکن است احساسات سردرگم (مثل ترس، تنهایی، خشم و سرخوشی) در پی داشته باشد.

مرحله سوم. مرحله نقاهت نوسازی: به این مرحله «دوره برزخ» هم گفته می‌شود که ممکن است دو سال طول بکشد. در طول این مرحله، افراد شروع به شناسایی تجربه‌های جدید زندگی، هویت جدید و اهداف عشقی جدید می‌کنند. به این مرحله «مرحله منحصر به فرد» گفته می‌شود؛ مرحله‌ای که افراد از خاکستر طلاق رشد می‌کنند و با زندگی بعد از طلاق سازگار می‌شوند.

بوهانان در کتاب *طلاق و بعد/از آن* (۱۹۷۰) شش مرحله متداخل برای طلاق تعریف می‌نماید، به گونه‌ای که زوجی که از یکدیگر جدا می‌شوند ناچارند با آنها روبه‌رو شوند. این شش مرحله عبارت است از: طلاق عاطفی، طلاق قانونی، طلاق اقتصادی، طلاق هماهنگی میان والدین، طلاق اجتماعی، و طلاق روانی.

مراحل فرایند طلاق از نظر کراتنزلر

کراتنزلر (۱۹۹۲) فرایند طلاق را در چهار مرحله شناسایی نموده است:

- ۱- مرحله وحشت: شامل مرحله اولیه جدایی همراه با احساس فقدان تسلط بر اوضاع؛
- ۲- مرحله ماتم و غم: دوره سوگ‌نشینی پس از خاک‌سپاری زندگی مشترک؛
- ۳- مرحله زندگی در حال: مرحله کنار آمدن با زندگی جدید برای ساختن آینده که هر روز آن یک چالش است.
- ۴- مرحله تجدید حیات خود: با ورود به این مرحله شخص درمی‌یابد که می‌توان زندگی اجتماعی، عاطفی و فیزیکی مجرد و خوشحالی را از سر گرفت (اخوان تفتی، ۱۳۸۲).

عناصر مراحل طلاق و واکنش‌های عاطفی به آن از نظر کاسلو و شوارتز

در الگوی جامع و التقاطی کاسلو و شوارتز (۱۹۸۷)، نظریه مرحله‌ای طلاق و واکنش‌های عاطفی به آن در پنج عنصر معرفی شده است:

۱. توالی زمانی: در این مرحله روند طلاق پیگیری شده، در چارچوب زمانی مشخصی ادامه می‌یابد.
۲. ابعاد طلاق: ابعاد گوناگون طلاق مانند واکنش‌های عاطفی، موضوعات اقتصادی، هم‌والدینی، جریان‌های قانونی و واکنش‌های درونی هر یک از طرفین را شامل می‌شود.
۳. ابعاد فراروانی: احساسات و واکنش‌های عاطفی زوجین را دربر می‌گیرد؛ مانند ناامیدی و خشم.
۴. رویدادهای رفتاری: اقدامات و اعمالی است که هر یک از زوجین در دوران طلاق انجام می‌دهند؛ مانند چانه‌زدن و گریه.
۵. الزامات درمانی: برنامه‌های مداخله‌ای برای هریک از مراحل طلاق را شامل می‌شود؛ مانند زوج‌درمانی و طلاق‌درمانی. در پژوهش «تدوین الگوی مفهومی عوامل شکل‌دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی» (عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۰) به زمینه‌های علی، شرایط مداخله‌گر، موانع، راهبردها و پیامدها اشاره شده است.

فرایند شکل‌گیری طلاق در تحقیق خجسته‌مهر و همکاران

در تحقیق «فرایند شکل‌گیری طلاق: یک پژوهش کیفی» (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۹) الگوواره فرایند شکل‌گیری طلاق از مصاحبه با ۱۶ تن به کمک روش «نظریه زمینه‌ای» به دست آمده است. این الگو شامل شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، عوامل راهبردی، پیامدها و طبقه هسته‌ای می‌شود. شرایط علی در این الگو عبارتند از: ازدواج نامطلوب، خشونت، پیمان‌شکنی زناشویی و ارتباط ناکارآمد. عوامل زمینه‌ای را هم می‌توان این‌گونه برشمرد: خانواده ناکارآمد، موقعیت اقتصادی اجتماعی زوجین و مشکلات جنسی و روانی و پزشکی آنها. شرایط مداخله‌گر نیز عبارت است از: ضعف راهبردهای مقابله‌ای زوجین، عوامل فرازوجی مؤثر بر طلاق و باورهای ناکارآمد درباره ازدواج و طلاق. عوامل راهبردی دو طبقه اصلی انعطاف و ابتکار و نیز انزوا و انفعال را در برمی‌گیرد. پیامدها نیز شامل سه طبقه اصلی است: ننگ مهر طلاق، تحلیل‌رفتگی، رهایی از تنش و ایجاد سبک جدید زندگی. طبقه هسته‌ای نیز نابسندگی مهارت‌های ارتباطی و گسلس عاطفی طبقه مرکزی داده‌ها و یافته‌های پژوهش مزبور را شکل می‌دهد.

مراحل فرایند طلاق در طلاق زن خواسته از نظر جابری و اعتمادی

جابری و اعتمادی (۱۳۹۹) در پژوهشی که به دنبال کشف فرایند طلاق در ایران بوده، بر اساس رویکرد سه‌مرحله‌ای گلیرز، فرایند طلاق را برای زوجین در آستانه طلاق که در رابطه آنان، زن آغازگر طلاق بوده، شامل پنج مرحله می‌دانند: (۱) آغاز غیر شاعرانه (رمانتیک)؛ (۲) ظهور فکر طلاق؛ (۳) تردید؛ (۴) تصمیم‌گیری سخت؛ (۵) اقدام قانونی. همچنین فرایند طلاق برای زوجین در آستانه طلاق که در رابطه آنان، مرد آغازگر طلاق بود، در سه مرحله ذیل ظهور یافت: (۱) کنار آمدن، (۲) مقابله کردن، (۳) رها ساختن.

داده‌های حاصل از مصاحبه با مشاوران خانواده و طلاق نیز مراحل چهارگانه پیش از تعارض، تعارض پنهان، تعارض آشکار و پایان دادن به تعارض را برای فرایند طلاق نشان می‌دهد.

منابع اسلامی و طلاق

از بررسی پژوهش‌های یادشده می‌توان بیان نمود که به منابع اسلامی توجهی نشده و بیشتر بر پایه تجربه تدوین شده است. با توجه به اهمیت مراحل شکل‌گیری طلاق به منظور تصمیم‌گیری و پیشگیری از وقوع طلاق در مشاوره مورد تأیید اسلام، لازم است پژوهشی از منابع اسلامی صورت گیرد تا نحوه شکل‌گیری طلاق و موقعیت زوجین در این فرایند برای تصمیم‌گیری صحیح بررسی شود.

از منابع اسلامی به دست می‌آید که برای مراحل گوناگون (مانند خوف نشوز، شقاق و غیر آن) مداخلات و راهکارهای متفاوتی برای پیشگیری از طلاق وجود دارد که می‌توان با تشخیص موقعیت زوجین در فرایند طلاق از منابع اسلامی، نحوه مواجهه و تصمیم مبتنی بر آموزه‌های دینی را ارزیابی کرد.

از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که فرایند شکل‌گیری و تحول طلاق با توجه به منابع اسلامی چگونه تبیین می‌گردد؟

روش پژوهش

در این تحقیق از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است:

تحلیل محتوای کمی

ابتدا برای جمع‌آوری داده‌ها از روش «حوزه‌های معنایی» کمک گرفته شد. «حوزه معنایی» یا «حوزه واژگانی» (Field Lexical) شامل مجموعه‌ای از واژه‌هاست که از جنبه دلالتی با یکدیگر مرتبط و دارای اشتراکاتی هستند. این واژه‌ها در ذیل عنوانی عام قرار می‌گیرند که همگی آنها را به هم پیوند می‌دهد (مختار عمر، ۱۳۸۶). بدین‌سان واژگان مرتبط با رابطه زوجین با هدف رسیدن به فرایند تحول و شکل‌گیری طلاق جمع‌آوری گردید.

برای به دست آمدن این واژگان، از متخصصان و دیگر تحقیقات استفاده شد. در مجموع، ۱۴۰ کلیدواژه به دست آمد. سپس محقق با توجه به تنوع زیاد کلیدواژه‌ها، ابتدا ۲۱ آیه مربوط به طلاق و روایات مرتبط با آنها را که در کتاب‌های *وسائل الشیعه* و *بحارالانوار* روایت شده، بررسی کرد. تعداد کلی روایات مرتبط با طلاق در این دو کتاب نزدیک ۱۳۰۰ نمونه است. محقق پس از این مرحله، بار دیگر کلیدواژه‌ها را ارزیابی کرد و با توجه به موضوع پژوهش ۳۰ واژه کلیدی را انتخاب نمود. این بدان معناست که برای تشکیل حوزه معنایی، داده‌های متناسب با این کلیدواژه‌ها جمع‌آوری شده است.

این کار با گروهی از ابزارها انجام شد:

۱) قرآن کریم و تفسیر آن و کتاب‌های روایات معصومان علیهم‌السلام و شرح آنها و کتاب‌های فقها؛

۲) نرم‌افزارهایی که شامل محتوای کتاب‌های مذکور هستند و مطابقت آنها معتبر و مورد تأیید مراکز علمی است.

تحلیل محتوای کیفی

در ادامه با روش «تحلیل محتوای کیفی» (Qualitative content Analysis) متون دینی و کاربرد قواعد اصول فقه و داده‌های به‌دست‌آمده تحلیل گردید. در این روش محتوای آشکار پیام‌ها به‌صورت نظام‌دار و کمی توصیف می‌شود. سه مرحله عمده روش تحلیل محتوا عبارت است از: آماده‌سازی و سازمان‌دهی، بررسی مواد، و پردازش نتایج (سرمد و دیگران، ۱۳۸۵).

با مطالعه داده‌های به‌دست‌آمده و مقایسه آنها با یکدیگر و با بهره‌مندی از سه طریق رمزگذاری باز، رمزگذاری محوری و رمزگذاری انتخابی، مراحل تحولی طلاق و شاخص‌های آن به دست آمد؛ بدین صورت که در گام اول با بررسی داده‌ها، جمله اصلی آن استخراج و به صورت رمز باز ثبت گردید. در گام بعدی ۱۵۰ رمز به‌دست آمده مقایسه شد و در ضمن این مقایسه، موارد مشابه ادغام و موارد غیر مرتبط حذف گردید. در نهایت در رمزگذاری انتخابی با نسبت‌سنجی و میزان ارتباط شاخص‌های به‌دست‌آمده، مجموعه شاخص‌های متمایزکننده رابطه زوجین به دست آمد.

بررسی روایی محتوای مراحل تحولی طلاق و شاخص‌های آن

بررسی روایی محتوای مراحل تحولی طلاق و شاخص‌های آن نهایت پژوهش بود. در نتیجه اجرای این مرحله، دو موضوع روشن شد:

- ۱) عناوین استفاده‌شده برای هر مرحله بر اساس مستندات ارائه‌شده، چه میزان اعتبار دارد.
- ۲) بر اساس ادله مذکور، شاخص‌های هر مرحله چه میزان با عنوان مرحله سازگاری دارد و متمایز از مراحل دیگر است. برای جمع‌آوری نظر کارشناسان از نمونه‌برگ مشخصات استفاده شد که مطابق نظر سیف (۱۳۸۵) در آن محتوای موضوع و ابعاد گوناگون آن به‌خوبی منعکس می‌شود.

جامعه اسناد و گزارش نمونه

جامعه متنی پژوهش در مرحله کیفی، قرآن کریم و گزاره‌های مفسران آن و از سوی دیگر، روایات و مطالب شارحان آن، سیره معصومان علیهم‌السلام و گزاره‌های فقهاست. برای مراجعه به روایات باید به کتب حدیثی مراجعه کرد.

کتاب‌های حدیثی بر اساس ۱۲ ملاک در سه گروه درجه‌بندی شده‌اند:

کتاب‌های درجه (الف): کتاب‌های قابل اعتماد شیعه؛

کتاب‌های درجه (ب): کتاب‌های دارای صلاحیت نسبی برای استناد؛

کتاب‌های درجه (ج): کتاب‌های ضعیفی که فقط به‌عنوان مؤید از آنها استفاده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۳).

علاوه بر اعتبار کتاب باید خود روایت از چهار منظر (صدور، دلالت، متن و جهت صدور) نیز بررسی گردد.

یافته‌های پژوهش

مجموعه واژگان و مفاهیمی که از ویژگی‌های مرتبط با شکل‌گیری و تحول طلاق حکایت می‌کند از یافته‌های این بخش از پژوهش بود. این مجموعه حوزه معنایی مراحل شکل‌گیری و تحول طلاق را تشکیل داده و مبنای جست‌وجو در منابع اسلامی قرار گرفته است.

بعد از مطالعه تحقیقات و مشورت با متخصصان و بعد از بررسی ۱۴۰ کلیدواژه پیشنهادی مرتبط با رابطه زوجین و نسبت‌سنجی آنها با ۲۱ آیه طلاق و ۱۳۰۰ روایت باب طلاق *وسائل الشیعه* و *بحار الانوار*، واژگان و مفاهیم مرتبط با شکل‌گیری و تحول طلاق این‌گونه به دست آمد: طلاق، طلاق رجعی، نشوز، خوف از نشوز، شقاق، تسریح، امساک، معاشرت معروفانه، سازش، مدارا، کراهت، صبر، عفو، صلح، آرامش، مباشرت، نفقه، ضرر، حرج، خلع، مبارات، کارکرد خانواده، تمکین، اختلاف، داور (حکم)، حاکم، مشورت، اسرار، حسن خلق، امید به زندگی.

این مفاهیم هر یک به نحوی در تحقق طلاق اثر دارد؛ برخی (مانند خلع و مبارات) از انواع طلاق است و برخی دیگر (مانند معاشرت معروف و سازش) با طلاق رابطه عکس دارد. از میان واژگان به‌دست آمده برخی در نظر و اجرای طلاق اثرگذار است (مانند مشورت، داور، حاکم). در نهایت باید گفت: واژگان استخراج‌شده -در مجموع- با شکل‌گیری و تحول طلاق رابطه دارد.

در ادامه، برای استخراج شاخص‌ها و مراحل شکل‌گیری طلاق گام‌های زیر برداشته شد:

گام اول: جمع‌آوری داده‌های مرتبط

با توجه به کلیدواژه‌هایی که در حوزه معنایی به دست آمد، منابع اسلامی جست‌وجو شد و داده‌های مرتبط با این مفاهیم جمع‌آوری گردید. برای نمونه، به بخشی از این داده‌ها در جدول (۱) اشاره شده است.

جدول ۱: نمونه‌ای از داده‌های رمزگذاری باز

شماره	رمزگذاری باز	منبع
۱	فاصله گرفتن از آنچه عقل و شرع و عرف معروف می‌داند	«وَ عَشْرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹).
۲	سازش و مدارا	«فَدَارُوهُنَّ عَلَىٰ كُلِّ خَالٍ وَ أَحْسَنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهِنَّ يُحْسِنُ الْفَعَالَ» (صدوق، ۱۴۱۳).
۳	خوف از نشوز و نافرمانی	«وَ الْاَلَاتِي تَخَافُونَ نِشْوَزَهُنَّ فَطَعُوهُنَّ» (نساء: ۳۴)
۴	عفو و بخشش	«مَا حَقَّ الْمَرْءُ عَلَىٰ زَوْجِهَا الَّذِي اِذَا فَعَلَهُ كَانَ مَحْسَنًا: قَالَ... وَ اِنْ جَهِلْتَ عَفْرَ لَهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹).
۵	خوف از شکاف عمیق در رابطه	«وَ اِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْتَغُوا حَكْمًا مِّنْ اَهْلِهِ وَ حَكْمًا مِّنْ اَهْلِهَا اِنْ يَرِيدَا اِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللّٰهُ بَيْنَهُمَا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا خَبِيْرًا» (نساء: ۳۵).

گام دوم: مقوله‌بندی داده‌های به‌دست‌آمده

در گام دوم بعد از پالایش و تفکیک مقوله‌های به‌دست‌آمده، آن دسته از مقولاتی که بیشتر مرتبط با شکل‌گیری و تحول طلاق بود، انتخاب شد و یافته‌های پژوهش در رابطه با مقولات، به نسبت شاخص‌های مرحله‌ای در نهایت، شش مجموعه شاخص متمایزکننده رابطه زوجین را نشان می‌دهد. شاخص‌های مذکور بدون ذکر منبع در جدول (۲) آمده است. ادله و منابع استخراج شاخص‌ها در گام بعدی توضیح داده می‌شود.

جدول ۲: مجموعه مقولات به‌دست‌آمده

شاخص	مجموعه
فاصله گرفتن از معروف نزد عقل و شرع و عرف	اول
خداشده‌دار شدن سازش و مدارا	
خارج شدن از حد متعارف در کارکردهای خانواده	
ترس جدی از سرد شدن بنیاد خانواده	دوم
امید به عادی شدن جریان زندگی	
به وجود آمدن دلزدگی از یک طرف	
عدم انجام برخی وظایف و حقوق از یک طرف	سوم
تحقق ضرر و حرج برای همسر	
ایجاد کراهت نسبی نسبت به همسر	
شکاف عمیق در رابطه	چهارم
قطع امید از حل شدن مشکل درون خانواده	
رضایت برای مراجعه به حکمین	
پیامدسنجی نسبت به تبعات جدایی	پنجم
آگاهی نسبت به جدایی	
ایجاد آمادگی ذهنی و روانی برای طلاق	
جدایی اولیه در شرایطی آرام و در چارچوبی عقلایی اتفاق بیفتد	ششم
شبیبه‌سازی زمان جدایی و زندگی در زیر یک سقف	

گام سوم: تدوین مراحل شکل‌گیری و تحول طلاق

در گام سوم مجموعه شاخص‌های به‌دست‌آمده با یکدیگر مقایسه و نسبت‌سنجی شد و رابطه هر کدام با مرحله قبلی و بعدی ملاحظه شد و در نهایت، شش مرحله (ضعف کارکردها، بروز آشفتگی، آشفتگی، گسستگی، طلاق - بازگشت و جدایی‌سازی - بازگشت) به‌دست آمد. مجموعه شاخص‌های هر مرحله در جداول ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ بیان شده است.

جدول ۳: مرحله اول: ضعف کارکردها

عنوان مرحله	شاخص
پیش از آشفتگی	(۱) از آنچه عقل و شرع و عرف معروف می‌داند فاصله گرفته‌اند، ولی هنوز مشکلی جدی به وجود نیامده است.
	(۲) کارکردهای همسری در حد معروف نیست.
	(۳) امکان سازش و مدارا بالاست.
	(۴) هنوز کراهت و تنفر نسبت به طرفین حاصل نشده است.

جدول ۴: مرحله دوم: بروز آشفته‌گی

عنوان مرحله	شاخص
بروز آشفته‌گی	۱) یکی از طرفین نسبت به عملکرد همسر خود ترس جدی دارد که به مرحله سرد شدن بنیان خانواده منجر شود.
	۲) امید به عادی شدن زندگی با ترفندهایی وجود دارد.
	۳) مقداری دلزدگی در رفتار وجود دارد، ولی هنوز به اندازه کراهت نرسیده است.
	۴) هنوز وظایف و حقوق طرفینی خدشه‌دار نشده است، ولی نشانه‌هایی از تحت‌الشعاع قرار گرفتن آن وجود دارد.
	۵) هنوز ضرر جدی و سختی زیادی متوجه هیچ‌یک از اعضای خانواده نشده است.

جدول ۵: مرحله سوم: آشفته‌گی

عنوان مرحله	شاخص
آشفته‌گی	۱) برخی از وظایف و حقوق انجام نمی‌شود؛ مانند تمکین نکردن از جانب زن، پرداخت نکردن نفقه به زن.
	۲) ممکن است به طرفین ضرر جدی برسد.
	۳) کراهت نسبی در ارتباط طرفینی به وجود آمده است، ولی امید به برطرف شدن وجود دارد.
	۴) برخی کارکردهای خانواده مانند مسائل جنسی، مباحث اقتصادی و عاطفی دچار خلل می‌گردد.
	۵) میزان مدارا و سازش کمتر شده است.

جدول ۶: مرحله چهارم: گسسته‌گی

عنوان مرحله	شاخص
گسسته‌گی و امکان طلاق	۱) زمانی که آشفته‌گی ادامه پیدا کند به سمت شکاف عمیق حرکت کرده، ممکن است به لجبازی طرفین منجر شود.
	۲) در این مرحله آمیدی به حل تعارضات در فضای درون خانواده وجود ندارد.
	۳) تنش در این مرحله بالا گرفته و کارکردهای خانواده (مانند کارکردهای جنسی و عاطفی و اقتصادی) آسیب جدی دیده است.
	۴) کراهت از طرفین مشهود است.
	۵) برای رسیدن به صلح و سازش لازم است از هر طرف حکمی انتخاب شود تا در محیطی عاقلانه مسئله را بررسی نمایند (رضایت طرفین برای انتخاب حکم).

جدول ۷: مرحله پنجم: طلاق - بازگشت

عنوان مرحله	شاخص
آمادگی برای طلاق و امکان بازگشت	۱) در این مرحله جوانب گوناگون (مانند تبعات منفی جدایی بر خود و فرزندان) بررسی قرار می‌گردد (میزان جدیت در طلاق).
	۲) میزان کراهت و مقابله با آن بررسی می‌گردد.
	۳) میزان سازش و مدارا بررسی می‌گردد.
	۴) در صورت پذیرفتن جدایی، باید نسبت به این تصمیم آگاهی داشته باشند و دچار اضطراب و تنش نشوند.

جدول ۸: مرحله ششم: جدایی‌سازی - بازگشت

عنوان مرحله	شاخص
پس از طلاق و امکان بازگشت	۱) باید در شرایطی آرام و بی‌هیاهو و در چارچوبی عقلانی جدایی اولیه اتفاق بیفتد.
	۲) در این مرحله با شبیه‌سازی زمان جدایی، زوجین چهار ماه زیر یک سقف - در حالی که زن و شوهر نیستند - زندگی می‌کنند.
	۳) در این مدت در صورت بازگشت طرفین به معیارهای زندگی، بی‌تکلف و سختی، کانون خانواده دوباره تشکیل می‌شود.

برای بررسی روایی محتوای عناوین و شاخص‌های به‌دست‌آمده از هشت روان‌شناس دارای تحصیلات حوزوی ضمن دو سؤال، نظرات کارشناسی متخصصان بررسی شد:

سؤال اول مرتبط با عنوان بود و از آنها پرسیده شد که آیا مفهوم انتخاب‌شده برای هر مرحله مناسب است یا خیر؟ در صورت ضعیف بودن نمره، پیشنهادی شما برای عنوان هر مرحله چیست؟

سؤال دوم میزان اعتبار شاخص‌ها را دنبال می‌کند و می‌پرسد: با توجه به اسناد ارائه شده، شاخص‌های مذکور به چه میزان با آن مرحله مرتبط است؟ متخصصان پاسخ‌های خود را در قالب چهار گزینه (کاملاً مناسب، نسبتاً مناسب، کم‌مناسب، نامناسب) بیان کردند. محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) برای هر یک از شاخص‌ها و عنوان انتخاب شد و مطابق مراحل شش‌گانه در جدول (۹) آمده است.

جدول ۹: نظر کارشناسان درباره میزان مطابقت موارد خواسته‌شده با مستندات

Cvi	عنوان و شاخص (عنوان جایگزین)
۰/۸۷	پیش از آشنفتگی
۰/۸۷	(۱) از آنچه عقل و شرع و عرف معروف می‌داند فاصله گرفته‌اند، ولی هنوز مشکلی جدی به وجود نیامده است.
۰/۸۷	(۲) کارکردهای همسری در حد معروف نیست.
۱/۰۰	(۳) امکان سازش بالا بوده و امید به عادی شدن زندگی بالاست.
۱/۰۰	(۴) هنوز کراهت و تنفر نسبت به طرفین حاصل نشده است.
۰/۸۷	بروز آشنفتگی (آشنفتگی)
۱/۰۰	(۱) یکی از طرفین نسبت به عملکرد همسر خود ترس جدی دارد که به مرحله سرد شدن بنیان خانواده منجر شود.
۱/۰۰	(۲) امکان سازش و مدارا بالاست و امید به عادی شدن زندگی با طرفندهایی وجود دارد.
۱/۰۰	(۳) مقداری دلزدگی در رفتار وجود دارد، ولی هنوز به اندازه کراهت نرسیده است.
۱/۰۰	(۴) هنوز وظایف و حقوق طرفینی خدشه‌دار نشده است، ولی نشانه‌هایی از تحت‌الشعاع قرار گرفتن آن وجود دارد.
۱/۰۰	(۵) هنوز ضرر جدی و سختی زیادی متوجه هیچ‌یک از اعضای خانواده نشده است.
۰/۸۷	آشنفتگی (بحران)
۱/۰۰	(۱) برخی از وظایف و حقوق انجام نمی‌شود؛ مثل تمکین نکردن از جانب زن، عدم پرداخت نفقه به زن.
۱/۰۰	(۲) ممکن است به طرفین ضرر جدی برسد.
۰/۸۷	(۳) کراهت نسبی در ارتباط طرفینی به وجود آمده است، ولی امید برطرف شدن وجود دارد.
۱/۰۰	(۴) برخی کارکردهای خانواده (مانند مسائل جنسی، مباحث اقتصادی و عاطفی) دچار خلل می‌گردد.
۱/۰۰	(۵) میزان مدارا و سازش کمتر شده است.
۰/۸۷	گسستگی و امکان طلاق (تشدید بحران و امکان طلاق)
۱/۰۰	(۱) زمانی که آشنفتگی ادامه پیدا کند به سمت شکاف عمیق حرکت کرده، ممکن است به لجبازی طرفین منجر شود.
۱/۰۰	(۲) در این مرحله امیدی به حل تعارض‌ها در فضای درون خانواده وجود ندارد.
۰/۸۷	(۳) تنش در این مرحله بالاگرفته و کارکردهای خانواده (مانند کارکردهای جنسی و عاطفی و اقتصادی) آسیب جدی دیده است.
۱/۰۰	(۴) کراهت از طرفین مشهود است.

۱/۰۰	(۵) برای رسیدن به صلح و سازش لازم است از هر طرف حکمی انتخاب شود تا در محیطی عاقلانه مسئله را بررسی نمایند (رضایت طرفین برای انتخاب حکم).
۰/۸۷	آمادگی برای طلاق و امکان بازگشت (رفع موانع طلاق)
۱/۰۰	(۱) در این مرحله جوانب گوناگون (مانند تبعات منفی جدایی بر خود و فرزندان) بررسی می‌گردد (میزان جدیت در طلاق).
۰/۸۷	(۲) میزان کراهت و مقابله با آن بررسی می‌گردد.
۰/۸۷	(۳) میزان سازش و مدارا بررسی می‌گردد.
۱/۰۰	(۴) در صورت پذیرفتن جدایی، باید نسبت به این تصمیم آگاهی داشته باشند و دچار اضطراب و تنش نشوند.
۰/۸۷	پس از طلاق و امکان بازگشت (طلاق و سازگاری پس از طلاق)
۱/۰۰	(۱) باید در شرایطی آرام و بی‌هیاهو و در چارچوبی عقلانی جدایی اولیه اتفاق بیفتد.
۱/۰۰	(۲) در این مرحله با شبیه‌سازی زمان جدایی، زوجین چهار ماه زیر یک سقف - در حالی که زن و شوهر نیستند- زندگی می‌کنند.
۱/۰۰	(۳) در این مدت در صورت بازگشت طرفین به معیارهای زندگی، بی‌تکلف و سختی، کانون خانواده دوباره تشکیل می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مرحله ضعف کار کردها

مرحله اول در شکل‌گیری و تحول طلاق زمانی است که زندگی از مدار اصلی خود خارج شده، به سمت آشفتگی حرکت کند. علت استفاده از واژه «آشفتگی» در مراحل، ترجمه لغت «معروف» است. ابن فارس (۱۴۰۴ق) آورده است: «هذا أمر معروف و هذا يدل على ما قلناه من سكونه إليه». مطابق این معنا «معروف» بر سکون و اطمینان نفس دلالت دارد. در این مرحله رابطه باز و تعارض‌ها و مشکلات کم است و زوج‌ها در تفاوت‌هایشان به منظور داشتن یک سبک و سیاق سالم برای رابطه جدید با هم مذاکره می‌کنند و فقط از نبض زندگی خارج شده‌اند (فای، بوردن و کاتو به نقل از: لانگ و یونگ، ۱۹۸۷). در ادبیات قرآن از زندگی متعادل به «عاشروهن بالمعروف» (نساء: ۱۹) تعبیر شده است. رابطه زوجین در معاشرت معروف رابطه‌ای متعادل و به دور از حاشیه است. هرقدر زوجین از این مهم بیشتر فاصله بگیرند به آشفتگی نزدیک‌تر می‌شوند.

از پیام‌های مهم این آیه به زوجین آن است که دایره انتظارات خود را در حیطه معاشرت معروف قرار دهند؛ زیرا هرقدر انتظارات زوجین از رابطه زناشویی بیشتر، گسترده‌تر و در بسیاری از موارد، غیرمنطقی‌تر باشد، می‌تواند زمینه سرخوردگی از زندگی زناشویی را فراهم آورد (لاوینگر و هاستون، ۱۹۹۰).

این آیه شریفه به‌مثابه ارجاع در گزاره‌های فقهی هم به شمار می‌آید. آنجا که فقها مصادیق «معاشرت معروف» را نام می‌برند، برای ارجاع به منابع اسلامی به این آیه اشاره می‌نمایند. برای مثال، در بحث «استخدام خادم برای همسر» گفته‌اند: اگر شأن او به نحوی است که داشتن خدمتکار متعارف است، باید برایش خادم بگیرد و نفقه خادم را هم بدهد (طوسی، ۱۳۸۷). در ادامه، علت این فتوا آیه شریفه «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» ذکر می‌شود.

یا در بحث مقدار نفقه زوجات و نحوه ادای آن، از آیه ذی‌ربط استفاده شده و مصداق زندگی بر مدار تعادل را بیان نموده است (حلی، ۱۴۱۰ق). این مرحله شروع مسیر برای مشکلات جدی‌تر و سخت‌تر است، ولی هنوز مشکلی جدی گریبان زوج را نگرفته است. از سوی دیگر کارکردهای خانواده، یعنی تنظیم رفتار جنسی و تولید مثل، حمایت

و مراقبت، عاطفه و همراهی و کارکردهای اقتصادی (بستان و همکاران، ۱۳۸۸) که حکمت تشکیل این بنیان را نشان می‌دهند، در این مرحله آسیب جدی ندیده‌اند، ولی دچار ضعف شده‌اند. به همان میزان که از تعارض در زندگی زناشویی راه فراری نیست (شاه‌کنی، ۱۳۸۰)، از سازش و مدارا هم نمی‌توان غافل شد. تعارض و اختلاف سلیقه لازمه زندگی اجتماعی بشر است و راه اصلی مدیریت و مقابله با آن سازش و مداراست. تا زمانی که میزان مدارا بالا باشد و کارکردهای همسری هم دچار آسیب جدی نشده باشد کراهت و دلزدگی در رابطه به وجود نمی‌آید.

بوت و همکاران (۱۹۸۳) ذیل مفهوم «نارضایتی زناشویی» (marital dissatisfaction) اشاره داشته‌اند که در مرحله‌ای زوجین در شرایط نارضایتی زناشویی قرار می‌گیرند. این شرایط به درجه پایینی از سازگاری یا ناکامی در یک رابطه اشاره دارد و مطمئناً تجمیع این نارضایتی‌ها به سرخوردگی منجر می‌شود؛ اما خود نارضایتی از نظر ارتباطی می‌تواند زودگذر و موقتی باشد و همزمان با آن احساس علاقه وجود دارد.

مرحله بروز آشفتگی

در این مرحله نشانگان آشفتگی بروز کرده و دست کم یکی از زوجین نگران ادامه این روند است. در نتیجه ناامیدی و آشفتگی در این مرحله خودنمایی نمی‌کند (کاسلو و شوارتز، ۱۹۸۷). این مرحله در ادبیات دینی با تعبیر «خوف نشوز»، هم برای مردان بیان شده است و هم برای زنان. آیه «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۱۲۸) درباره مردان و آیه «وَ اللَّائِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فِعْزُهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ أُضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء: ۳۴) درباره زنان بیان شده است.

استفاده از واژه «خوف» به معنای ترس (جوهری، ۱۴۰۷)، اشاره دارد به اینکه هنوز نشوز تحقق پیدا نکرده و فقط نشانه‌های آن ظاهر شده است. مصادیق معرفی شده برای خوف از نشوز و مرحله بروز آشفتگی گویای این تفکیک مرحله‌ای است.

نشانگان نشوز ممکن است در گفتار ظاهر شود؛ مانند اینکه وقتی فرد همسرش را صدا می‌زند او از جواب دادن امتناع بورزد و هنگامی که با او صحبت می‌کند، گفتار پسندیده‌ای نداشته باشد (طوسی، ۱۳۸۷). همچنین می‌تواند در عمل ظاهر شود؛ مانند مردی که همسرش را به رابطه جنسی دعوت نماید و او جوابی ندهد و مرد را ترک کند و یا با خشم برخورد نماید و یا مثل اینکه از هر دو طرف ترشروی صورت پذیرد و در عین اینکه نزدیک هستند از یکدیگر دوری کنند (طباطبائی، ۱۴۱۸).

از دستورهای دینی (به‌ویژه آیات مذکور در بحث خوف نشوز)، به دست می‌آید در این مرحله می‌توان مشکل را درون خانواده حل کرد و این نشان می‌دهد هنوز امید به مدارا وجود دارد، به‌ویژه اینکه باید دقت داشت که در این مرحله هنوز نشوز تحقق پیدا نکرده، بلکه نشانگان آن نمایان شده است. از این رو امکان سازش و مدارا در این مرحله بالاست و می‌توان با ترفندهایی زندگی را به نبض خود بازگرداند. در مجموع می‌توان فهمید که دلزدگی در رابطه به وجود آمده، اما به حد کراهت و تنفر نرسیده است (لیری، هیمن و جانگسما، ۱۳۸۴). به همین خاطر است که هر یک از طرفین هنوز به حقوق اصلی

یکدیگر تعرض نکرده‌اند و طرف مقابل هم به دنبال حل مشکل و بهبود اوضاع است. روشن است در صورتی که حقوق و وظایف خدشه‌دار نشده باشد، پس ضرر جدی متوجه طرفین نشده است که مشمول ادله «لا ضرر» و یا «لا حرج» شود.

بررسی مرحله آشفستگی

بعد از پدید آمدن نشانگان نشوز، اگر تعارض و مشکل حل نشود زوجین وارد مرحله آشفستگی می‌شوند و خود نشوز تحقق پیدا می‌کند. «آشفستگی زناشویی» وضعیتی است که در آن دست کم یکی از زوجین از رابطه زناشویی احساس ناراضی‌ت می‌کند (ماتو و همکاران، ۲۰۱۸). در مرحله نشوز هم دست کم یکی از زوجین به وظایف خود عمل نمی‌کند و طرف مقابل از زندگی احساس ناخشنودی دارد. شکل‌گیری آشفستگی زناشویی ناشی از تعارضات و اختلافات حل‌نشده زناشویی است (گلاسر، ۱۹۹۸). بدین‌روی به جدایی بین «نشوز» و «خوف نشوز» در برخی تعابیر تصریح شده است. برخی معتقدند: تبیبه بدنی مذکور در آیه نشوز فقط مربوط به زمانی است که زن از مرحله خوف نشوز عبور کرده و ناشزه شده است و مرحله «وعظاً» و «هجر» مربوط به امارات نشوز است (طوسی، ۱۳۸۷؛ حلی، ۱۴۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴).

لین لانگ و مارک یونگ (۱۹۹۸) در تبیین خود نسبت به مراحل تعارض، این مرحله را «تکرار تعارض» نامیده‌اند. در این مرحله رابطه زوجین دچار آشفستگی شده و تعارض جدی به وجود آمده، ولی هنوز به «شقاق» (شکاف عمیق) نرسیده‌اند. زوجین از انجام وظایف و تعهدات زناشویی نسبت به یکدیگر امتناع می‌ورزند که این امر می‌تواند منجر به جدایی محل خواب و یا صرف غذا به صورت انفرادی و جدا شود (طیارپور به نقل از: کسلر، ۱۳۹۵).

همان‌گونه که از شاخص‌ها به دست می‌آید، در این مرحله دست کم یک طرف رابطه نسبت به همسرش دچار کراهت شده و در این زندگی متحمل ضرر گردیده و در شرایط عسر و حرج قرار گرفته است. آشفستگی زناشویی در جنبه‌های متعددی از روابط زناشویی اثرگذار است؛ مانند ارتباط عاطفی، حل مسئله، پرخاشگری، زمان باهم بودن، مسائل مالی، مسائل جنسی، جهت‌گیری نقش جنسیتی، رضایت از فرزند و تربیت فرزند که در آنها اختلال ایجاد می‌کند (جرمکا گالسر، مالارکی و کیکولت - گلاسر، ۲۰۱۳) می‌توان موارد فوق را در همان کارکردها و نقش افراد در خانواده تبیین نمود.

بررسی مرحله گسستگی

در این مرحله سخن از کراهت شدید است. زوجی که از مراحل قبلی عبور کرده و نتوانسته‌اند مشکلات قبلی را حل کنند، وارد مرحله «شقاق» (گسستگی رابطه) می‌شوند. «شقاق» در معنای تحقیقی به معنای شکاف مطرح شده که آثار آن تفریق و جدایی است (مصطفوی، ۱۳۸۰).

با ملاحظه آیات و کلمات علمای دین اطمینان پیدا می‌شود که کراهت تام و شدید زوجین نسبت به یکدیگر مرحله جدیدی است که در پی آن امیدی به برطرف شدن مشکل در درون خانواده وجود ندارد و به همین سبب، کار به حکمین می‌رسد. همان‌گونه که از مضمون آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء: ۳۵) پیداست، حکمین، هم می‌توانند صلح برقرار سازند و هم می‌توانند حکم به جدایی بدهند.

در روایتی از کتاب *الکافی* (کلینی، ۱۴۰۷) اشاره شده است که دو حکم حق ندارند بین زن و شوهر جدایی بیندازند، مگر اینکه از زن و شوهر اجازه گرفته و با آنان شرط کرده باشند که اگر ما خواستیم بین شما جمع کنیم و اگر خواستیم جدایی بیندازیم. پس اگر جمع کردند جایز است و اگر جدایی انداختند نیز جایز است و باید به آن عمل شود. از این رو نام این مرحله «گسستگی» گذاشته شد.

کسلر هم با اشاره به شاخص عدم انجام تعهدات طرفینی و ایجاد گسست بیان می‌دارد: زوجی که به مرحله سوم (یعنی امتناع از تعهدات زناشویی نسبت به یکدیگر و عدم همبستری با یکدیگر) وارد شوند رشته‌های عاطفی و محبت بین آنها گسسته شده، در نهایت رابطه عاطفی قطع و وقوع طلاق روانی شکل می‌گیرد (طیاری پور، ۱۳۹۵). به سبب کراهت به وجود آمده در این مرحله، «طلاق خلع» و «مبارات» هم مطرح می‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴). «طلاق خلع» در اصطلاح آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر دارد، حاضر می‌گردد مالی به او بدهد تا او را طلاق دهد. در این صورت مال مزبور را «فدیه» گویند (فاضل هندی، ۱۴۱۶). در «طلاق مبارات» کراهت طرفینی است و زوجین نسبت به هم و نسبت به ادامه زندگی کراهت دارند (نجفی، ۱۴۰۴).

بررسی طلاق - بازگشت

در الگوی معرفی شده از منابع اسلامی، حکمین در مرحله «شقاق» می‌توانند، هم به اصلاح رابطه زوجین حکم کنند و هم می‌توانند ادامه این شرایط را به صلاح ندانسته، تصمیم به جدایی را اعلام نمایند. چون تصمیم نهایی با خود زوج است (طباطبائی، ۱۴۱۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶) لازم است شرایط جدایی و ادامه زندگی را بررسی نموده، پیامدهای هر دو طرف را بسنجند.

پیامدهای طلاق را در سه بعد «اجتماعی - فرهنگی»، «روانی - عاطفی» و نیز «اقتصادی» بر تک‌تک افراد خانواده، از جمله زن، مرد و فرزند می‌توان دنبال کرد (امانی و همکاران، ۱۳۹۸). طلاق همواره در جامعه‌ای که در حال گذر است، به‌صورت ناهنجاری‌های اجتماعی در کنار پدیده‌هایی همچون اعتیاد، بیکاری، دختران فراری، بزهکاری، جرم، جنایت و فقر در جامعه فریاد می‌کشد و همه اعضای خانواده و جامعه را در خطر قرار می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۷).

بر اساس برخی تحقیقات، افراد طلاق گرفته بیش از افراد متأهل دچار اختلالات جسمی و روحی، از جمله اعتیاد به مشروبات الکلی، خودکشی و ضعف قوای ذهنی می‌شوند و رضایت خاطر کمتری از زندگی دارند (کالان و نولر، ۱۹۸۷). توجه به این ابعاد کمک می‌کند زوجین نسبت به آینده خود با دقت بیشتری تصمیم بگیرند و در صورتی که تصمیم بر جدایی دارند، خود را برای آن آماده کنند و دچار اضطراب و تنش نشوند.

در آموزه‌های اسلامی هنگامی که سخن از تصمیم بر طلاق در میان است، روی اوصاف «سَمِیعٌ» و «عَلِیمٌ» تکیه می‌شود؛ یعنی خداوند سخنان شما را می‌شنود و از انگیزه طلاق و جدایی آگاه است و شما را مطابق آن جزا می‌دهد (مکارم، ۱۳۷۱). پس اگر جوانب را سنجیدید نگران تصمیم نباشید؛ زیرا خدا پشتیبان شماست. این پشتیبانی

را در آیات دیگر نسبت به مسائل اقتصادی بیان می‌کنند؛ آنجا که می‌فرماید: «وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۳۰)؛ یعنی نگران مسائل اقتصادی و جوانب آن نباشید و حال که عاقلانه و باتدبیر تصمیم بر جدایی گرفته‌اید دچار تنش و اضطراب نشوید؛ خداوند حمایت می‌کند.

جدایی برای تمام اعضای خانواده تنش بزرگی محسوب می‌شود و ممکن است منجر به واکنش‌های سازگاری کوتاه‌مدت و بلندمدت شود. تجربه طلاق سازگاری زوجین و فرزندان آنها را در تمام ابعاد (روان‌شناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌گردد (رحمانی و جعفری، ۱۳۹۳). از این رو باید برای تصمیم طلاق و جدایی آمادگی داشت. برای ایجاد آرامش و آمادگی نسبت به تبعات سخت آینده، به حمایت و پشتیبانی قوی نیاز است که در پژوهش حاضر به دست آمد خالق و همه‌کاره جهان وعده پشتیبانی داده است.

بررسی مرحله جدایی‌سازی - بازگشت

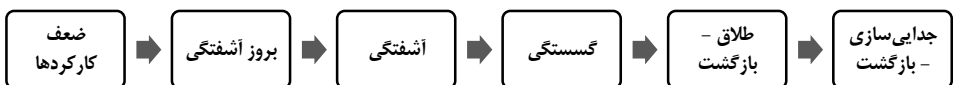
از مجموع قوانین و مضامین دینی به دست می‌آید که در هر مرحله، راه بازگشت به بنیان خانواده باز است. در مرحله آخر از مراحل شکل‌گیری طلاق و جدایی، دین اسلام دست به ابتکار زده است؛ ابتدا نحوه طلاق اولیه را به نحوی توصیه می‌کند که در خلال آن بی‌احترامی به طرفین تحقق پیدا نکند و جوانب انصاف در ابعاد گوناگون اقتصادی و عاطفی رعایت گردد (طلاق: ۱) و سپس شرایطی را برای زوجین فراهم می‌کند که جدایی را در قالبی خاص تجربه کنند و در ضمن آن بسترهایی هم برای بازگشت به زندگی داشته باشند. این مرحله در ادبیات منابع اسلامی به «طلاق رجعی» شناخته می‌شود.

برای اینکه طلاق در قالبی عقلایی تحقق پیدا کند، لازم است شروطی رعایت گردد؛ مانند انجام طلاق در دوران آرامش زن، عدم مباشرت در شرایط پاک‌ی زن برای انجام طلاق، عدم خروج از منزل مشترک و جریان طلاق در حضور دو شاهد عادل (همان). درباره اهمیت طلاق رجعی و نقش آن در مقابله با جدایی، برخی محققان نظراتی دارند. در طلاق رجعی، مراجعه زوج به زوجه بدون تشریفات فراهم است. در نتیجه، بازگشت به حیات زوجیت به‌آسانی محقق می‌شود. باید گفت: طلاق رجعی از جمله سیاست‌های دقیق و مترقی شرع اسلام برای جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده است.

بعد از جدایی و بعد از شکست در تجربه‌ای مهم از زندگی، نیاز است با اتخاذ تصمیمات مناسبی شرایط برای زندگی کردن فراهم شود. زوجین بعد از جدایی با فقدان‌هایی مواجه هستند. مفهوم «سازگاری با طلاق» مقابله با این فقدان‌ها را دنبال می‌کند. سازگاری با طلاق یک فرایند پیچیده و چندوجهی است که ممکن است نتایج گوناگونی از مثبت تا منفی را به همراه داشته باشد (باللی و اعتمادی، ۱۳۸۸). این مفهوم شامل مؤلفه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و مالی است و مراحل نوزده‌گانه بازسازی را باید طی کند (رحمانی و جعفری، ۱۳۹۳).

نمودار نهایی مراحل شش‌گانه تحول و شکل‌گیری طلاق به شرح ذیل است:

نمودار ۱: مراحل شکل‌گیری و تحول طلاق



منابع

- ابن‌فارس، احمدبن فارس، ۱۴۰۴، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- اخوان تفتی، مهناز، ۱۳۸۲، «پی آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ش ۳، ص ۱۲۵-۱۵۲.
- امانی، زکیه و همکاران، ۱۳۹۸، «شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی»، *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ش ۴۷، ص ۵۹-۸۱.
- برنشتاین، فیلیپ‌پاچ و ماری‌تی برنشتاین، ۱۳۸۲، *زناشویی درمانی*، ترجمه سهرابی، تهران، مؤسسه چاپ فرهنگی رسا.
- بستان، حسین و همکاران، ۱۳۸۸، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بلالی، طیبیه و عذرا اعتمادی، ۱۳۸۸، «تأثیر جدایی و ناسازگاری پس از طلاق در ایجاد و ادامه تنش در خانواده‌ها»، در: *مجموعه مقالات پنجمین همایش مشاوره اسلامی*، قم، مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی.
- جابری، سمیه و عذرا اعتمادی، ۱۳۹۹، *کشف فرآیند طلاق در ایران و تدوین مدل مشاوره*، پایان‌نامه دکتری، علوم تربیتی مشاوره، دانشگاه اصفهان.
- جوهری، أبو نصر، ۱۴۰۷ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیت.
- حلی، ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، جامعه مدرسین.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم، اسلامی.
- خجسته مهر، رضا و همکاران، ۱۳۹۹، «تبیین فرآیند شکل‌گیری طلاق یک پژوهش کیفی»، *دست‌آوردهای روانشناختی*، ش ۱، ص ۲۵-۴۶.
- رایس، جوی کی و دیوید گوردون، ۱۳۹۶، *مشاوره طلاق*، ترجمه مریم فاتحی زاده، فرامرز آسنجرانی، تهران، آریا نقش.
- رحمانی، طیبیه و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه حل تعارض و کنترل عواطف با سازگاری پس از طلاق»، *روانشناسی تربیتی*، ش ۵، ص ۷۶-۸۵.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۷، *طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، تهران، دانشگاه تهران.
- سرمد، زهره و همکاران، ۱۳۸۵، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- سیف، سوسن و فرشاد بهاری، ۱۳۷۹، *هنجاریابی و استاندارد سازی مقیاس سنجش بخشودگی برای خانواده‌های ایرانی*، طرح مصوب پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء.
- سیف نراقی، مریم و عزت‌الله نادری، ۱۳۸۵، *روش‌های تحقیق در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)*، تهران، بدر.
- شاهر کنی، سیدحسب‌الله، ۱۳۸۰، «راهکارهای روبرویی با تعارض»، *توسعه مدیریت*، ش ۳۴، ص ۲۶-۲۲.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۳، *منطق فهم حدیث*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طباطبائی، سیدعلی‌بن محمد، ۱۴۱۸ق، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالادلة*، قم، مؤسسه آل‌البتیت.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۷، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- طیارپور، معصومه، ۱۳۹۵، *تبیین صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های مقابل‌های و سرسختی روانشناختی در زنان مبتلا به طلاق عاطفی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد واحد رشت.
- عبداللہی، اصغر و همکاران، ۱۴۰۰، «تدوین الگوی مفهومی عوامل شکل‌دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی»، *علوم روان‌شناختی*، ش ۹۷، ص ۱-۱۲.

عظیمی رستا، محمود و مهرناز عبدزاده نوبریان، ۱۳۹۲، «بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده»، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ش ۱۰، ص ۳۱-۴۶.

فاضل هندی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ق، *کشف النام و الإیهام عن قواعد الأحكام*، قم، جامعه مدرسین.

فرهنگی، علی اکبر، ۱۳۷۹، *ارتباطات انسانی*، تهران، خدمات فرهنگی رسا.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، قم، دار الکتب الاسلامیه.

لیبری، دانیل و همکاران، ۱۳۸۴، *راهنمای گام به گام درمان مشکلات زنانسویی (طرح‌های مدون زوج‌درمانی)*، ترجمه علی کیمیائی و زهرا باقریان‌نژاد کیمیایی، تهران، رشد.

مختار عمر، احمد، ۱۳۸۶، *معناشناسی*، ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

مکارم، ناصر، همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۴۰۴ق، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

Bohannon, P, 1970, *Divorce and after*, Anchor Books.

Booth, A., & Johnson, D. R., & Edwards, J.N, 1983, "Measving marital instability", *Journal of Marriage and the Family*, No. 45 (2), p. 387-394.

Callan, V. J., & Noller, P, 1987, *Marriage and the family*, Taylor & Francis.

Clapp, Genevieve, 1992, *Divorce & New Beginnings*, John Wiley & sons, New York.

Glasser, W, 1998, *Staying together*. NewYork, Harper Perennia.

<https://amar.sabteahval.ir/#/contentView/nHead>

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/923194>

<https://www.sabteahval.ir/>

Jaremke, L. M., Glaser, R., Malarkey, W. B., & Kiecolt-Glaser, J. K, 2013, "Marital distress prospectively predicts poorer cellular immune function", *Psychoneuroendocrinology*, No. 38(11), p. 2713-2719.

Kaslow, F. W., & Schwartz, L. L, 1987, *The dynamics of divorce: A life cycle perspective*, Brunner/Mazel.

Kessler, S, 1975, *The American way of divorce: Prescriptions for change*. Chicago: NelsonHall.

Knapp, M. L., Wiemann, J. M., & Daly, J. A, 1978, *Nonverbal communication: Issues and appraisal*, Human Communication Research.

Krantzler, M., & Krantzler, P. B, 1992, *The Seven Marriages of Your Marriage: How Couples Can Make Love Last by Understanding and Managing the Many Marriages-and Divorces-in Every Committed Relationship*. Harper San Francisco.

Levinger, G, & Huston, T. L, 1990, *The social psychology of marriage*, In F. D. Mahoney, A, & et al, 2003, *Religion and the sanctification of family relationships, Review of Religious Research*, v. 44, p. 220-236.

Mao, K., Niu, J., Chen, H., Wang, L., & Atiquzzaman, M, 2018, "Mining of marital distress from microblogging social networks: A case study on Sina Weibo", *Future Generation Computer Systems*, No. 86, p. 1481-1490.

McKnight, B. A, 2009, *An Exploratory Study of the Experience of Individuals Cohabiting Through the Process of Divorce*, Alliant International University, California School of Professional Psychology, San Diego.

Young, J.E., & long, L, 1998, *counseling and therapy for couples*, New York, Guilford press.